

# چای باوینیکات

برت کار  
مهیار علینقی



بیش نو

سرشناسه	..... کار، برت، Kahr, Brett
عنوان و نام پدیدآور	..... چای با وینیکات / نوشته برت کار؛ تصویرگر الینسن بکدل؛ مترجم مهیار علیبنقی
مشخصات نشر	..... تهران: بینش نو، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	..... ۴۰۰ ص
شابک	..... ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۴-۲۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	..... فیپا
یادداشت	..... عنوان اصلی: Tea with Winnicott 2016
موضوع	..... وینیکات، دونالد وودز، ۱۸۹۶-۱۹۷۱م.
موضوع	..... Winnicott, Donald Woods
موضوع	..... Psychoanalysis / روانکاوی
موضوع	..... Imaginary interviews / مصاحبه‌های تخیلی
موضوع	..... Psychoanalysts — Great Britain / روانکاوان — انگلستان
موضوع	..... Alison, Bechdel / بکدل، آلیسون، ۱۹۶۰-م، تصویرگر
شناسه افزوده	..... علیبنقی، مهیار، ۱۳۶۹، - مترجم
رده بندی کنگره	..... ۱۳۹۷ ج ۲۳ / ک ۱۷۳ BF
رده بندی دیویی	..... ۱۵۰ / ۱۹۵
شماره کتابشناسی ملی	..... ۵۱۲۱۲۵۳



بینش نو

www.binesh-no.com

تهران، پاسداران، بن بست کوکب،  
ساختمان بینش، پلاک ۱۲، واحد ۳۴  
تلفکس: ۲۲۸۹۰۹۰۴

## چای با وینیکات

برت کار / مهیار علیبنقی

نویسنده	..... برت کار
مترجم	..... مهیار علیبنقی
ویراستار	..... مژگان آبادی
طراح جلد	..... فاطمه نوری
صفحه آرای	..... مژگان آبادی
ناظر چاپ	..... امیرحسین ندیری
لیتوگرافی و چاپ	..... آبرنگ نوین
چاپ دوم	..... تهران ۱۳۹۸
تعداد	..... ۱۰۰۰ نسخه
قیمت	..... ۴۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید  
مجدد آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر  
و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه ناشر ممنوع است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۴-۲۸-۳

## فهرست مطالب

۶	یادداشت مترجم
۱۲	پیشگفتار
۱۶	مصاحبه با بزرگان
۲۰	درباره نویسنده و تصویرگر
۲۳	آثار برت کار
۲۴	یادداشت
۲۶	شخصیت‌ها
۲۸	مصاحبه
۳۰	فنجان اول: احضار دکتر و بینیکات
۴۸	فنجان دوم: تکوین شخصیتی خودساخته
۷۸	فنجان سوم: پزشکی گمنام
۹۶	فنجان چهارم: روی کاناپه استریچی
۱۱۲	فنجان پنجم: خانم کلاین و دیگر کلاینی‌ها (یا «زیر-کلاینی‌ها»!)
۱۳۲	فنجان ششم: طبل جنگ
۱۷۰	فنجان هفتم: جان به در بردن از تنفر
۲۰۲	فنجان هشتم: دوره فشرده در مصطلحات و بینیکاتی
۲۴۰	فنجان نهم: گرمای سفید اتاق درمان
۲۶۴	فنجان دهم: استاد موسیقی روانکاوی
۲۸۸	مؤخره: چگونه با وینیکات دیدار کردم
۲۹۶	فهرست شرح حال‌ها
۳۵۶	برای مطالعه بیشتر
۳۶۸	سپاسگزاری
۳۷۶	منابع

یادداشت مترجم

انتشار ترجمه فارسی این اثر که به معرفی توأمان زندگی و آراء وینیکات می‌پردازد، برای من مایه رضایتی عمیق است و خوشحالم که به کمک نشر بینش‌نو، گام کوچکی در معرفی آراء روان‌کاو و نویسنده‌ای استثنائی به دستداران روان‌کاوی در ایران برداشتم که بی‌راه نیست اگر بگوییم نظریاتش، رخدادی دوران‌ساز در تطور روان‌کاوی بود و منظری پیش چشم ما گشود که با چشم‌انداز پیشینیانش تفاوتی چشمگیر دارد.

از آنجا که ابتدا قصد داشتم آثاری را از خود وینیکات ترجمه و منتشر کنم، به بایگانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مراجعه کردم و دریافتم که تا به حال تنها دو اثر از نوشته‌های وینیکات، یکی با عنوان *کودک و دنیای خارج/او*<sup>۱</sup> به قلم خانم نازنین طباطبائی (۱۳۷۲)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) و دیگری به نام *مادران جوان و نیاز نوزادان*<sup>۲</sup> به کوشش خانم اشرف کربلایی نوری (۱۳۸۵)، دانژه) به فارسی ترجمه شده‌اند.

همین بررسی مختصر از چند و چون عرضه نوشته‌های وینیکات به زبان

---

1. The child and the outside world: Studies in developing relationships (1957)

2. Babies and their mothers (1987)

فارسی، از قَلت آشنایی ما با این نابغه روانکاوای معاصر حکایت می‌کنند و از همین رو، مصمم شدم تا به جستجوی کتابی پردازم که بتواند فتح بابی به نوشته‌های وینیکات باشد و از پس معرفی او به خوانندگان و متخصصان فارسی‌زبان برآید. پس از بررسی منابع مختلف متوجه شدم که متأسفانه بسیاری از کتاب‌هایی که برای آشنایی خوانندگان با جهان وینیکات تألیف شده‌اند، بسیار خشک و متصلبند و آنقدرها از جان‌مایه سپهر اندیشه او که، به زعم من، همانا سرزندگی و بازی و خلاقیت است، بهره‌چندانی ندارند. از همین‌جا بود که وقتی به دلالت دوستی مشترک با پرفسور کار و کتاب حاضر آشنا شدم، فهمیدم که مطلوب خود را حاصل کرده‌ام.

آشنایی پرفسور کار با دنیای وینیکات نه فقط حاصل بیش از چهار دهه تدریس نوشته‌های او، که بیشتر برآمده از علاقه قلبی‌اش به این چهره متواضع، خردمند و انسانی عالم روانکاو است؛ علاقه‌ای که او را به مراتب فراتر از جایی برده که از صرف غور در نوشته‌های وینیکات و «متخصص» شدن در آراء او بر می‌آید. پرفسور کار جدا از تسلطش بر نوشته‌های وینیکات و دوستی دیرینه‌سالش با آخرین معاشین او، مزیت دیگری هم دارد و آن، توانایی حیرت‌انگیزش در بازسازی فضای ذهنی وینیکات و انتقال آن به مخاطب است. برای من افتخار بسیار بزرگی است که توانستم ترجمه این اثر گران‌سنگ پرفسور کار را به اتمام برسانم که برای من، نه تنها دوست و استادی بی‌مانند، که تالی خود وینیکات است. هرگز فراموش نخواهم کرد که نخستین بار، وقتی با دلواپسی از واکنش احتمالی‌اش به پیشنهاد ترجمه این کتاب با او تماس گرفتم، چه مهربانی‌ها که به من نکرد! استاد بزرگ از هم‌کلامی با دانشجوی گمنامی مثل من عار نداشت و در طی اشتغال به ترجمه این اثر، لحظه‌ای از همراهی با من و حل ابهام‌هایی که گاه به گاه پیش می‌آمد، دریغ نکرد. به شخصه بر آنم که او سخاوتمندانه به گفتگوی درونی بی‌نهایت خلاقانه خود با وینیکات، که تنها و تنها به واسطه درونی‌سازی عمیق صدای

وینیکات در دل و جان‌ش ممکن شده، راهم داد و از این رو - هر چند فارسی نمی‌داند - بر من فرض است که بابت سخاوت و میهمان‌نوازی این نادره‌کار فرهیخته عمیقاً از او تشکر کنم. امیدوارم توانسته باشم با ترجمه این کتاب و رساندن صدای پرفسور کار (و به طبع، صدای وینیکات) به خوانندگان این اثر، به تحقق هدف او از تألیف این کتاب که در درجه اول تشویق خوانندگان به مطالعه و آشنایی بیشتر با نوشته‌های خود وینیکات است، کمکی کرده باشم. وینیکات متفکری آزاداندیش بود و آدمی را - به دور از خودهای کاذب برساخته این و آن - آزاد می‌دید و آزاد می‌خواست و معتقدم فضای فکری ما، به خصوص در عرصه روان‌درمانی و روان‌کاوی، بسیار به شنیدن چنین صدایی نیاز دارد؛ صدایی که بیش از هر چیز، فرزند خصال خویشتن است و ظرفیت تحسین‌برانگیزی برای استقلال نسبی اندیشیدن و بودن در حضور دیگری دارد، نه تبعیت بی‌حساب و تشبه نادانسته به او.

سپاس دیگرم از استاد عزیز، جناب آقای دکتر عبدالحسین رفعتیان است که با وجود مشغله‌های بسیار، از سر لطف و مهربانی بر من کرم کرد و نگارش پیشگفتاری را برای این ترجمه پذیرفت. خوشحالم که این ترجمه به پیشگفتار مردی بی‌بدیل آراسته شد که از حیث انسان بودن و مهربانی در عین تیزبینی و خردمندی، شباهت غریبی به مؤلف کتاب و - به چشم من - به خود وینیکات دارد! همین‌طور باید از سرکار خانم دکتر سحر اعلائی تشکر کنم که تهیه متن نهایی پیشگفتار به همت ایشان ممکن شد.

از جناب آقای دکتر نیما قربانی و همکارانشان در نشر بینش نو، خانم‌ها مژگان آبادی و فاطمه ربیعی ممنونم که با انتشار این کتاب موافقت کردند و در طبع آراسته آن از هیچ کوششی فروگذار ننمودند.

دکتر گهر همایونپور نخستین و تنها کسی بود که در کلاس‌هایش در دانشگاه شهید بهشتی به تدریس مدون نوشته‌های وینیکات پرداخت و نه تنها علاقه من، که رغبت بسیاری از شاگردانش را به یادگیری و مطالعه بیشتر آثار

وینیکات بر انگیخت و از این حیث، سهم بزرگی در چرایی این ترجمه دارد. دوست دیگرم، آقای مهدی محمدی، از ابتدا در جریان ترجمه این اثر بود و بارها با مصاحبتش مرا در حاصل تتبع خود در آثار وینیکات سهیم کرد. گفتگوهای اغلب مفصل ما درباره وینیکات، در حل ابهام‌های من درباره پاره‌ای از معادل‌گزینی‌ها بسیار مفید بود. علاقه او به وینیکات یکی از انگیزه‌های ترجمه این کتاب شد و از این رو، می‌بایست از او نیز بسیار تشکر کنم.

اما ترجمه این کتاب را به خانم سارا داوودیان تقدیم می‌کنم که هر بار چیزی نوشتم، انگار کنارم بود. او چه در بزمی که به صرف چای با وینیکات گذشت و چه در بسیاری ناکجاهای بی‌اندازه وحشتناک و رزمی که طلب می‌کردند، به یکسان همراهی‌ام کرد. من شاعر نیستم - که ای کاش بودم. اما اگر شاعر بودم، احتمالاً برای او چیزی می‌نوشتم شبیه این قطعه زیبای شاعر معاصر، کامران رسول‌زاده:

نیستی و دوستت دارم،  
بی تو،  
رفتارهام دچار «تو» گانگی‌اند

مهیار علینقی

۱۳۹۷





پیشگفتار

---

آغاز نگارش این پیشگفتار برای ترجمه آقای مهیار علینقی از نوشته برت کار درباره تجربه‌ای با وینیکات برای من آسان نبود اما پی بردن به علت این دشواری کار ساده‌ای نبود.

کسانی که با کارهای وینیکات آشنایی دارند، نثر ساده و روان و همه‌فهم او را به خوبی می‌شناسند و نیازی به معرفی مجدد نیست. شاید این ویژگی نثر وینیکات به دنبال تجربه‌ایست که از تعامل با بچه‌ها (چه با نوزادان و چه با نوجوانان) به عنوان روان‌پزشک متخصص کودکان یا مشاهده شکل گرفتن رابطه میان مادر و نوزاد در همان جایگاه حاصل کرده است.

به هر صورت خواندن نوشته‌های وینیکات یا مرور متن گفتارهای رادیویی او برای هرکسی، حتی خواننده ناآشنا با مفاهیم روانکاوی، تجربه‌ای نو خواهد بود و درعین حال زیبا، لازم و بی‌همتا؛ همان گونه که نحوه دعوت خواننده به فضای گفتگوی میان برت کار و وینیکات طی یک قرار چای بعد از ظهر (یک قرار بسیار انگلیسی‌مآب)، کاملاً غیرمنتظره، خلاقانه، زنده و معنادار است. همین امر، از آشنایی عمیق برت کار، روانکاو انگلیسی، با میهمان

دوست‌داشتنی و در عین عمیق‌بودن، بسیار «خاکی» خود - یعنی وینیکات - خبر می‌دهد. اگر بخواهیم در چند کلمه خلاصه‌ای از مهم‌ترین ویژگی‌های لازم یک روان‌کاو باتجربه مثل وینیکات ارائه دهیم، خواهیم دید که در نهایت می‌بایست زنده، خلاق، غیرمنتظره، نو، معنادهنده و عینی‌بودن را در اولویت بگذاریم و می‌بینیم که این ویژگی‌ها باتجربه زیستی نوزاد در راستای بقا در محیط خود، کاملاً منطبق است و ضرورت ایجاب می‌کند هر کودکی از این تجارب گذر کند و بعدتر متوجه خواهیم شد که این خصوصیات، شرط لازم برای جلسات روان‌درمانی و یا روان‌کاوی نیز هستند تا بدین واسطه، جلسات منحصر به تبادل کلمات یا جملات سنگین ولی تهی از معنا میان روان‌کاو و مراجعش باقی نماند.

با مطالعه متن برت کار در غالب این دیدار و جلسه غیررسمی که ما هم به شرکت در آن دعوت شده‌ایم، درگیر تجربه‌ای زنده، معنادهنده (حتی با فرض زنده بودن وینیکات)، نو و پیش‌بینی نشده خواهیم شد؛ انگار که به تماشای صحنه‌ای از سینمای اکیرا کوروساوا، فیلم‌ساز و کارگردان ژاپنی نشسته باشیم که در آثارش، اینجا و اکنون با آنجا و آن زمان، مرده با زنده، گذشته و حال با آینده همراه و به هم آمیخته می‌شوند.

در چنین حال و هوایی بود که یکی دو سال گذشته با شگفت‌زدگی خوشایندی پی بردم که عامل اصلی و مشترک جمع‌آمدن آثار وینیکات، معرفی و پختگی آن در جهان، ابتدا به همان زبان اصلی و بعد به فارسی، به علت همین فضای اینجا و اکنونش، زنده بودن و عینی بودن آن است. یک ماه پیش که آقای علینقی برای گفتگو در مورد نگارش پیشگفتار مرا مورد لطف قرار داد، توانستم دیداری با ایشان داشته باشم و با مطالعه ترجمه دعوت به جای با وینیکات توسط این مترجم چیره دست، از تلاش، توجه، علاقه عمیق و اصیل ایشان نسبت به آثار وینیکات شگفت‌زده شدم.

برای من آشنایی با آثار وینیکات نسبتاً دیر امکان‌پذیر شد و حتی زمانی

که استاد روانپزشکی کودک و نوجوان در پاریس، پرفسور فیلیپ ژامه، در سال ۱۹۷۹ مجموعه مقالاتی با عنوان از پزشکی کودک به روانکاوی را به قلم وینیکات به من معرفی کرد، نام این نویسنده برای من ناآشنا بود.

امروز هرگاه علاقمندان یا دانشجویان حوزه روانکاوی در مورد منابعی برای شروع مطالعه در این حوزه از من سؤال می‌کنند، نخستین منبعی که معرفی می‌کنم آثار وینیکات است زیرا که به نظر من یکی از هموارترین مسیرها برای آشنایی با روانکاوی، آثار اوست.

متأسفانه وینیکات در میان کسانی که از روانکاوی می‌نویسند، هنوز جایگاه شایسته خود را پیدا نکرده است و شاید این مسئله به نثر ساده، قابل فهم و روان او برگردد...

دکتر عبدالحسین رفعتیان

تهران، خرداد ۱۳۹۷

مصاحبه با بزرگان

---

در این مجموعه نو آئین از «مصاحبه‌های پس از مرگ»، نام‌آورترین روانکاوان را از عالم مردگان فراخوانده‌ایم و از آنها برای مصاحبه‌ای دقیق و صادقانه در باب زندگی و آثار و آرائشان دعوت به عمل آوردیم.

دانلد وینیکات به مطبش در چستر اسکوئر لندن باز می‌گردد تا خاطرات کودکی‌اش، سال‌های آموزش و کارورزی‌اش، دوران کار در بیمارستان کودکان پدینگتن گرین، طبع‌آزمایی‌های فنی و درمانی با بیماران و حتی صبح روز درگذشتش را مرور کند و همین‌طور، مختصری از خدمات و دست‌آوردهای بسیاری به روان‌شناسی تحولی و درمان بالینی را در اختیار خوانندگان بگذارد.

زیگموند فروید دوباره به کافه لانتیمان، کافه مشهوری در وین که بارها در آنجا قهوه خورده و روزنامه خوانده بود، سر می‌زند. وی چگونگی ابداع دانش روانکاوی را توضیح می‌دهد، بدون تعارف و پرده‌پوشی از خیانتی که از جانب کارل گوستاو یونگ دیده و احساسات خودش در این باره می‌گوید، از فرارش از چنگ حزب نازی صحبت می‌کند و بسیاری چیزهای دیگر؛

به‌علاوه توضیحاتی در باب آرائش در مورد تشکیل و بروز نشانه‌های امراض روانی و نظریات روانی-جنسی نیز ارائه می‌دهد.

جان بالبی هم ما را در ییلاقات انگلستان به شکار باقرقره می‌برد، کاری که روزگاری محبوب‌ترین سرگرمی آخر هفته‌اش بود، و آنجا، به‌شدت از همکارانش به خاطر ناتوانی در فهم ریشه‌های واقعی بیماری‌های روانی انتقاد می‌کند. ملانی کلاین هم تعدادی از دستور غذاهای محبوبش را به ما می‌آموزد و البته از هنر صحبت با بیماران برای‌مان می‌گوید.

مصاحبه‌های پس از مرگ با نثری زیبا، موجز و البته ریشه‌دار در مذاقه‌های تاریخی موشکافانه، مملو از گزارش‌های ناب نویافته از آرشیوهای منتشر نشده هستند و از این‌رو، هم برای دانشجویان و هم برای متخصصین<sup>۵</sup> حکم دوره‌ای پیشرفته در نظریات روانشناختی و کاربست‌های آن را دارند.



تقدیم به لیزا و مارسل،  
دو تن از محبوب‌ترین شخصیت‌های نمایشی هنوز زنده من،  
با عشق و ارادتی عمیق.

«... تجربه‌ای است بسیار لذت‌بخش، از آن دست تجاربی که  
به احتمال در کنسرت یا تئاتر یا در دوستی حاصل می‌شود».  
دکتر دانلد و. وینیکات «ظرفیت تنها بودن»

(نشریه بین‌المللی روانکاوی، ۱۹۵۸، ص. ۴۱۹).

درباره نویسنده و تصویرگر

**برت کار (نویسنده)** در حوزه سلامت روان بیش از ۳۵ سال سابقه فعالیت دارد. وی عضو ارشد مرکز روابط زوجین تویستاک، بخشی از مؤسسه روان‌شناسی طبی مؤسسه تویستاک لندن است و همین‌طور، مشاور امور روان‌شناختی مرکز بالبی<sup>۱</sup>. نخستین کتابی که درباره وینیکات نوشت، در سال ۱۹۹۷ در حوزه زندگی‌نامه‌نگاری، برنده جایزه گرادیوا<sup>۲</sup> شد. کتاب بعدی او با عنوان «سال فاجعه‌بار وینیکات: پیدایش نفرت در انتقال متقابل» منتشر خواهد شد که به بررسی تاریخی مقاله مشهور وینیکات اختصاص دارد. وی علاوه بر عضویت در هیات امنای موزه فروید در لندن، دبیر «مجموعه تاریخ روانکاوی»، از انتشارات کارنک نیز هست. در کنار اینها، او در همپستد واقع در شمال لندن، به درمان فردی و زوج‌درمانی نیز می‌پردازد.

---

۱. نویسنده توضیحات لازم درباره تمامی اسامی خاص، اعم از نام اشخاص و مکان‌ها را در فهرستی که به همین منظور ترتیب دیده در انتهای کتاب آورده است که می‌توان برای اطلاعات بیشتر، به آنجا مراجعه کرد. تمامی پاورقی‌هایی که در ادامه آمده از مترجم است.

۲. از معتبرترین جوایز حوزه کتاب و اندیشه در دنیای روانکاوی. تنها برنده ایرانی این جایزه ارزنده، دکتر گهر همایونپور است که به خاطر کتاب روانکاوی در تهران که با عنوان اصلی *Doing Psychoanalysis in Tehran* در سال ۲۰۱۲ از سوی انتشارات ام. آی. تی. منتشر شد، به اخذ این جایزه نائل آمدند.

### الیسن بکدل (تصویرگر):

کاریکاتوریستی اهل آمریکاست. شهرت او از سال ۲۰۰۶ و با انتشار کتاب خنده‌بازار آغاز شد که بعدها موضوع اقتباس تئاتر موزیکالی به همین نام قرار گرفت که جایزه تونی برای بهترین تئاتر موزیکال سال ۲۰۱۵ را به خود اختصاص داد. بکدل در سال ۲۰۱۴ مفتخر به اخذ جایزه «نبوغ» مک‌آرتور شد.

## آثار برت کار

- د. و. وینیکات: در قاب زندگی نامه (۱۹۹۶)  
روان‌درمانی و آسیب‌شناسی روانی قانونی: دیدگاه‌های وینیکاتی (ویراستار)  
(۲۰۰۱)
- نمایشگری جنسی (۲۰۰۱)  
میراث وینیکات: جستارهایی درباره بهداشت روان نوزاد و کودک  
(ویراستار) (۲۰۰۲)
- سکس و روان (۲۰۰۷)  
کیست که در ذهنتان خوابیده؟: دنیای رازآلود خیال‌پردازی‌های جنسی (۲۰۰۸)  
درس‌های زندگی از فروید<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)

---

۱. این کتاب با ترجمه صالح نجفی از سوی نشر هنوز منتشر شده است.

یادداشت نویسنده

---

تقریباً ۴۵ سال پس از مرگ داندل وینیکات، افتخار این را داشتم که با ایشان برای صرف چای، ملاقات کنم. باعث بسی مسرت و خوشوقتی بود که دکتر وینیکات با پیشنهاد مصاحبه‌ای درباره زندگی و آراء خود موافقت کردند. صحبت ما ساعت‌ها به طول انجامید. در اینجا تمام متن پیاده شده این گفتگوی مشترک را تقدیم می‌کنم. خانم جوئیس کُلز، منشی سابق دکتر وینیکات، زحمت تایپ این گفتگو را متقبل شدند. امیدوارم این مصاحبه طرف توجه و علاقه دانشجویان روان‌شناسی، روان‌درمانی و روانکاوی و دیگرانی قرار بگیرد که دغدغه مراقبت و رشد نوزادان، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان را دارند.

شخصیت‌ها

---



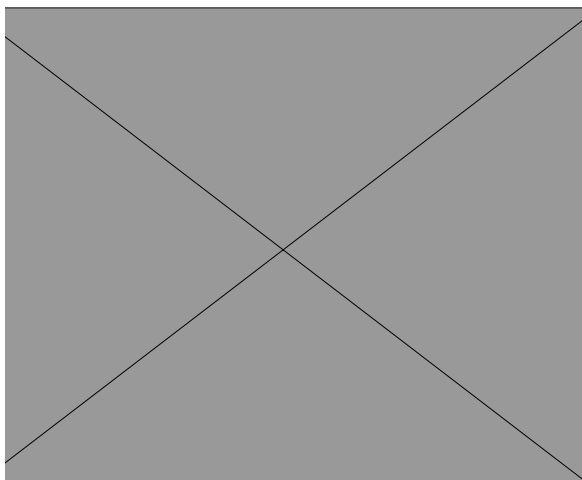
- د. و. : دکتر دانلد وودز وینیکات، پزشک، روانپزشک کودک، روانکاو، نویسنده، سخنران رادیویی و نظریه‌پرداز (متوفی به تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۷۱)
- ج. ک. : خانم جوئیس کُلز، منشی شخص دکتر دانلد وینیکات از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۷۱ (متوفی به تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۹۷)
- ب. ک. : برت کار، مصاحبه‌کننده (هنوز در قید حیات)  
زمان: حال حاضر
- مکان: پلاک ۸۷، چستر اسکوئر، بلگراویا، لندن S.W. ۱.

مصاحبه

---

«هرگز آن فنجان‌های چای را فراموش نخواهم کرد، آن چای‌های کیسه‌ای را، که خودشان بسیار به جادوی آن تجربه می‌افزودند. آن موقع که کارم را آغاز کردم، همه چیز مثل جادو بود. اما تبدیل شد به امری بسیار واقعی و خاص».

دکتر کالین جیمز، در نامه‌ای به خانم کلر وینیکات، در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۷۱ که در آن، از جلسات بررسی روند درمان بیماران با دکتر دانلد وینیکات نوشته است (جیمز، ۱۹۷۱).



فَنجَانِ اَوَّلِ | اَحْضَارِ دَكْتَرِ وِیْنِیْكَاتِ

ب. ک. : خانم کلز، چگونه می توانم بابت ترتیب دادن این قرار از شما تشکر کنم؟ همان طور که خودتان هم می دانید، من همیشه می خواستم با دکتر وینیکات صحبت کنم.

ج. ک. : خب، من هم از اینکه توانستیم ترتیب امور را بدهیم بسیار خوشحالم.  
ب. ک. : فکر می کنم بسیار به زحمت افتادید.

ج. ک. : نه، اِبادا.

ب. ک. : اما... مصاحبه پس از مرگ؟! مطمئنید؟

ج. ک. : درست است که این مصاحبه های پس از مرگ آنقدرها معمول نیستند. آدم می بایست با خیلی ها هماهنگ کند و اجازه بگیرد، با خیلی ها...  
می دانید که.

ب. ک. : بله، متوجهم.

ج. ک. : دکتر وینیکات اغلب درخواست ها برای مصاحبه پس از مرگ را رد می کنند.

ب. ک. : منظورتان این است که دیگرانی هم چنین درخواستی داشته اند؟

ج. ک. : آه، بله. هفته ای دو یا سه درخواست این چنینی به دستمان می رسد.

اغلب از آمریکایی‌هاست. اما وقتی به دکتر وینیکات توضیح دادم که شما پیشتر زندگی نامه‌ای در باره ایشان نوشته‌اید، به من گفتند که اگر بتوانم قرار ملاقاتی تنظیم کنم، مایل به مصاحبه هستند، البته فقط برای این یک بار.

ب. ک. : خانم کلز، من برای همیشه سپاسگزار شما خواهم بود. امیدوارم که این مصاحبه برای بسیاری از دانشجویان دکتر وینیکات که حالا حرف‌هایشان را به طور «زنه» می‌شنوند، مفید باشد. این فرصت، به خصوص برای آن دسته از ما که هرگز بخت آن را نداشتیم که با ایشان ملاقات کنیم، بسیار مغتنم خواهد بود.

ج. ک. : بین خودمان بماند، اما فکر می‌کنم دکتر وینیکات به این فنجان چای رضایت دادند چون... آه، نگفتم که ایشان درخواست کردند که این گفتگو را بیشتر نوعی گپ و گفت حین صرف چای ببینیم؟ و نه مصاحبه؟! ب. ک. : خیلی هم عالی است.

ج. ک. : فکر می‌کنم به این خاطر راضی به این گفتگو شدند، چون اطلاع دارند که پس از مرگ، وجه و اعتبارشان کمی بر اثر آن ماجرای کذایی مخدوش شده.

ب. ک. : منظورتان... مسعود خان است؟

ج. ک. : بله، دقیقاً.

ب. ک. : البته.

ج. ک. : و فکر می‌کنم مایل باشند کمی به این اوضاع سامان دهند.

ب. ک. : امیدوارم این مصاحبه پس از مرگ - عذر می‌خواهم، این فنجان چای - فرصتی باشد تا دکتر وینیکات بتوانند درباره هر آنچه مایلند با زندگی، آثار و میراث خود کنند، با ما صحبت کنند. من هم قصد داشتم درباره مسعود خان از ایشان بپرسم... و درباره بسیاری چیزهای دیگر. ج. ک. : بسیار رضایت‌بخش خواهد بود؛ من هم برای کمک به شما آقایان اینجا هستم.

- ب. ک. : تا همین جا هم بسیار لطف داشتید.
- ج. ک. : دکتر وینیکات از من خواستند تا این گفتگو را از روی نوارها پیاده کنم. می‌دانید، ایشان به تایپ من اعتماد دارند. بعضی از این دختران جوان که از این، اسمش چیست؟! آه، بله... از این «مراکز کاریابی» می‌آیند... خب، ابا به کار تایپ وارد نیستند.
- ب. ک. : بسیار باعث افتخار خواهد بود که شخص شما متن چاپی این مصاحبه را آماده کنید. شما بسیار لطف دارید، سرکار خانم. آیا نکته‌ای هست که لازم است پیش از شروع در مورد دکتر وینیکات بدانم؟ منظورم وضع فعلی ایشان است؟ زود خسته می‌شوند؟ راستی هنوز دردهای قلبی دارند؟!
- ج. ک. : یکی از مزایای «در گذشته» بودن این است که دیگر بدن را آنطور که پیشتر حس می‌کردیم، نمی‌کنیم. از این لحاظ، دکتر وینیکات در راحتی کامل به سر می‌برند. اما دکتر وینیکات را که می‌شناسید... هنوز هم سخت کار می‌کند. هنوز هم می‌نویسد، مثل قبل.
- ب. ک. : واقعاً؟
- ج. ک. : بله. خودشان می‌گویند: «خانم کلز، این که امروز مرحوم دکتر دانلد وودز وینیکات هستم به این معنا نیست که دیگر حرف‌های بسیاری برای گفتن نداشته باشم».
- ب. ک. : این روزها مشغول نگارش چه مطلبی هستند؟
- ج. ک. : فکر می‌کنم کتاب تازه‌ای در دست دارند... و طبق معمول، تعداد بی‌شماری پیش‌نویس.
- ب. ک. : از موضوع این کتاب جدید خبر دارید؟
- ج. ک. : خب، به عنوان مختلفی فکر کردیم. اما تا اینجای کار، عنوان محبوب ایشان این بوده: «چگونه به رغم مردگی، زنده باشیم».
- ب. ک. : عنوان خوبی ست، همین طور به آن دل‌نوشته بی‌نظیری اشاره دارد که در